

## تبیین اثرات جنگ ایران و عراق

### برهویت قومی اعراب خوزستان

رسول افضلی<sup>۱</sup>، محمدباقر قالیباف<sup>۲</sup>، ابوالقاسم محمودی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

#### چکیده:

جنگ عراق علیه ایران به مثابه پدیده‌ای اجتماعی که آثار و پیامدهای آن جوامع ایران و عراق را به طور مستقیم و برخی جوامع دیگر را به طور غیرمستقیم در بر می‌گرفت یکی از مهم‌ترین تحولات اواخر قرن بیستم بود. از این رو، شناخت این تأثیرات از مسائلی است که هنوز نیاز به پژوهش دارد. این پژوهش با عنوان تبیین اثرات جنگ ایران و عراق بر هویت قومی در میان اعراب استان خوزستان با استفاده از رویکرد کمی و روش پیمایشی صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد اقوام عرب خوزستان همچون گذشته طی جنگ ایران و عراق در کنار سایر هم‌میهنان خود به دفاع از تمامیت ارضی ایران پرداختند و به رغم تصور رژیم عراق وفاداری آن‌ها به ایران هرگز مورد انکار قرار نگرفت. جنگ تحمیلی هر چند باعث افزایش آگاهی اعراب ایرانی نسبت به هویت قومی خود گردید ولی بین هویت قومی اعراب ایرانی نسبت به هویت ملی‌شان همبستگی ایجاد نمود و نیروهای مرکزگرا را در میان آن‌ها تقویت نمود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سطوح مختلف هویت قومی در بین اعراب (اجتماعی، تاریخی، سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی) رابطه معناداری دارند. به عبارت دیگر هویت قومی در مقابل هویت ملی قرار نمی‌گیرد.

#### واژگان اصلی:

جنگ ایران و عراق، هویت ملی، هویت قومی، اعراب ایرانی، خوزستان.

- ۱- دانشیار گروه جغرافیای سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران
- ۲- دانشیار گروه جغرافیای سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران
- ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

جنگ یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که نقش و تأثیر آن در شکل‌گیری تاریخ و دگرگونی آن بسیار مهم است و به مثابه متغیری مهم در تحول حیات اجتماعی نقش بازی می‌کند. بر این اساس، جنگ و ستیز عمری به درازای عمر بشر دارد و از زمان پیدایش اولین انسان‌ها در کره زمین، با آنان همراه بوده است. نگاهی گذرا به تاریخ کشور ایران نشان می‌دهد که جنگ‌های متعددی در طول تاریخ کشورمان به دلایل مختلف روی داده است که آخرین آن، جنگ عراق علیه ایران است.

از سوی دیگر هویت به مثابه پاسخ به کیستی و چیستی انسان، یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم علوم انسانی و اجتماعی است که در سطح فردی، اجتماعی و ملی متبلور می‌گردد. اگر چه این مقوله از آغاز تمدن، فکر انسان را به خود مشغول داشته اما هرگز رنگ کهنگی به خود نگرفته است و هنوز از مهمترین دغدغه‌های انسان به شمار می‌رود. هویت ملی و قومی یکی از اشکال مهم هویت انسان اجتماعی است. این دو هویت گرچه همیشه در برابر هم قرار نمی‌گیرند، یعنی تعلق به یکی نشان دهنده عدم تعلق به دیگری نیست، اما می‌توان گفت که این دو، همیشه رابطه کاملاً نزدیک و تنگاتنگی با هم دارند. هویت‌ها از نظر روانی برای افراد و ادامه زندگی اجتماعی مهم و حیاتی‌اند، اما آنچه باعث می‌شود مفهوم هویت برای متفکران علوم اجتماعی اهمیت داشته باشد، این است که هویت‌ها در رفتار مردم نقش دارند. مثلاً اگر فردی خودش را متعلق به قوم خاصی تصور کند، تلاش می‌کند که همانند آن قوم عمل کند و همین عملکرد اجتماعی فرد است که دانشمندان علوم اجتماعی را تشویق به تحقیق در مؤلفه‌های هویتی افراد، گروه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌کند. اما هویت به همان اندازه که حیاتی است مبهم هم هست. (هانتینگتون، ۱۳۸۴: ۴۱) هویت در طول تاریخ دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری شده است و عوامل مختلفی در این تغییر و دگرگونی نقش داشته‌اند. یکی از عوامل مهمی که هویت و منش ملی را در سطح جامعه متأثر کرده، جنگ است. جنگ به مثابه عامل تغییر و دگرگونی در هر جامعه‌ای وجدان گروهی و جمعی انسان‌ها را حساس می‌کند و روی هویت فردی، قومی و ملی تأثیر می‌گذارد.

جنگ عامل وفاق اجتماعی است. نقشی که جنگ‌ها در هویت بخشی به خرده نظام‌های درون جامعه داشته‌اند، غیر قابل انکار است. ملت‌ها توانسته‌اند بر محور قوم‌مداری، با عامل بیرونی

ضد وحدت و هویت ملی مبارزه کنند و به یکپارچگی و تقویت منش ملی خود برسند و بر اساس نظریات، جنگ به تخفیف تشنجات درونی جامعه کمک شایانی می‌کند. از نظر هگل نیز جنگ می‌تواند تجلی یک وحدت جمعی با روح عام در فرمان با چهره رهبر جامعه باشد و بر این اساس، او جنگ را عامل هویت بخش جامعه می‌دانست که مردم را با یک هدف و آرمان و با یک منش ملی به همکاری فرا می‌خواند (ادیبی سده، ۱۳۸۱: ۱۸۸-۱۸۹). ایرانیان در جریان جنگ ایران و عراق با تکیه بر اصل ایرانی بودن و داشتن هویت واحد ملی - دینی در برابر هجوم عراق ایستادند و با وجود مشکلات متعدد و نیز با وجود انواع عقاید دینی و قومی، با انسجام و همبستگی کامل به مقابله با هجوم دشمنان پرداختند. آن‌ها به رغم تفاوت‌اندیشه‌ها و عقاید گوناگون قومی و دینی خود، هویت واحدی دارند که باعث می‌شود تا در صورت بروز مسائل و مشکلات برای جامعه، برای دفع و از بین بردن آن مشکلات اقدام نمایند. به هر حال، جنگ هشت ساله ایران و عراق همانند بسیاری از دیگر جنگ‌های فرسایشی تاریخ معاصر جهان، جنگی بود با ضایعات انسانی و اقتصادی هنگفت؛ انبوه شهدا و جانبازانی که هنوز از تعداد آن‌ها آمار دقیقی منتشر نشده است؛ خسارات گسترده اقتصادی که در برآوردن میزان واقعی آن نیز اختلاف نظر وجود دارد. آنچه در جنگ تحمیلی کمتر بدان پرداخته شده است تأثیرات این جنگ بر هویت قومی اعراب بوده است. هویت قومی را می‌توان در پنج مقوله هویت اجتماعی، هویت جغرافیایی، هویت تاریخی، هویت فرهنگی و هویت سیاسی تقسیم بندی کرد. در این پژوهش با ارائه مباحثی در باب جنگ، هویت، رابطه جنگ و هویت، هویت قومی، به سنجش گرایش هویت قومی اعراب خوزستان نسبت به هویت ملی در جمهوری اسلامی در دوره بعد از جنگ، پرداخته خواهد شد و شدت گرایش نسبت به مؤلفه‌های اصلی هویت ملی (دولت، سرزمین، ملت) بعد از جنگ ایران و عراق سنجیده می‌شود. در این نوشتار بر این مسأله تمرکز می‌شود که آیا هویت قومی اعراب ایرانی بعد از جنگ ایران و عراق دچار چالش و بحران شده است یا خیر؛ یا به عبارتی اصلاً این جنگ تأثیری بر هویت قومی اعراب داشته است؟

## ۱- چارچوب نظری تحقیق:

از نظر جامعه‌شناسان، کنش‌های متقابل اجتماعی<sup>۱</sup> به دو نوع کلی تقسیم می‌شوند: یکی کنش‌های اجتماعی هم‌سو یا پیوسته<sup>۲</sup> و دیگری کنش‌های اجتماعی غیر هم‌سو یا گسسته و ناپیوسته یا مستقل<sup>۳</sup>. جنگ و ستیز در کنش‌های غیر هم‌سو یا مستقل روی می‌دهد؛ به عبارت دیگر، زمانی که کنش‌های پیوسته و هم‌سو بر کنش‌های غیر هم‌سو غلبه می‌کنند، ارتباط متقابل جوامع مبتنی بر همکاری خواهد بود، در غیر این صورت بین جوامع جنگ رخ می‌دهد (کارکنان نصر آبادی، ۱۳۸۴: ۳). در زمان جنگ، جامعه - که احساس می‌کند تمامیت آن از سوی دیگری در خطر قرار گرفته است - وارد وضعیت دفاعی می‌شود. از این رو، اولویت‌های جامعه دگرگون می‌شود و انتظار می‌رود که همگان، برای رفع خطر بشتابند (نبوی، ۱۳۸۴: ۳). در این میان جایگاه مسأله هویت در گفتمان جنگ، یک مسأله اساسی است؛ چون تلاش برای ایجاد وحدت با عطف توجه به این مسأله تحلیل و بررسی می‌شود. پدیده هویت در فهم از رابطه خود با دیگران معنا می‌شود. هویت‌ها در تعامل کنشگر با دیگران تعریف می‌شود. (بارنت، ۲۰۰۱: ۹). آنتونی گیدنز هویت را منابع معنا برای کنشگران می‌داند که به دست آن‌ها از رهگذر فرآیند فردیت بخشیدن ساخته می‌شود. به نظر او با این حال ممکن است هویت از نهادهای مسلط نیز ناشی شود، اما حتی در این صورت نیز هنگامی هویت تکوین خواهد یافت که کنشگران اجتماعی آن‌ها را درونی کنند و معنای آن‌ها را حول این درونی‌سازی بیافرینند (محمد نژاد، ۱۳۸۶: ۴۵). در هر حال، پدیده هویت و هویت ملی در زمان جنگ می‌بایست پاسخ مناسبی برای تهدیدهای بیرونی باشد. این پاسخ مناسب در چارچوب انسجام اجتماعی و حفظ و تداوم ثبات، نظم و یکپارچگی می‌گنجد. تقویت هویت ملی برای کشورهای چندقومی و چند فرهنگی با ظرفیت‌های استراتژیک، همواره با چالش‌های مشابهی در عرصه فرهنگی و سیاسی مواجه بوده است. برخی جوامع چند قومی که عوامل همبستگی در آن‌ها ضعیف است، بیشتر از سایرین از نتایج جنگ متأثر می‌شوند. در این گونه جوامع که اجزای آن در یکدیگر ادغام نشده‌اند، اقوام به وسیله جاذبه‌های شخصیتی،

- 
1. Social Interaction
  2. Associative Interaction
  3. Dissociative Interaction

ایدئولوژیک، اقتدار یک حزب فراگیر و یا نیروی قهریه به یکدیگر ملحق شده و تشکیل یک واحد سیاسی داده‌اند که به صورت تصنعی به حیات خود ادامه می‌دهد و به محض تضعیف اقتدار مرکز - بویژه در عواملی مثل جنگ که در ذات خود تضعیف حاکمیت را در پی دارد - جوامع پیرامونی به سوی مرکز گریزی و تجزیه پیش می‌روند. برعکس، در برخی کشورها اقوام علاوه بر همبستگی ملی میان خود، دارای تاریخ مشترک بوده و تصور ذهنی مشترکی در طول زمان بین آن‌ها شکل گرفته است. چنین وضعیتی به دیر پای ملی و تعلق اقوام به واحد ملی کمک می‌کند. کشورهای جهان سوم که دارای بافت چند قومی هستند به دلایلی از قبیل تاریخ مشترک، سرنوشت مشترک از یکپارچگی ملی بیشتری برخوردارند.

در زمان جنگ که جامعه دستخوش دگرگونی‌ها و تحولات عمده می‌شود، مردم حول محور هویت‌های بنیادین از جمله دینی، قومی، ملی و سرزمینی گرد هم می‌آیند و انواع هویت‌ها را شکل می‌دهند که هویت ملی برجسته‌ترین آن‌هاست و نقش مهم و اساسی آن در انسجام بخشیدن و وحدت افراد جامعه بر هیچ کس پوشیده نیست و در واقع، هویت ملی چتری سایه گستر بر فراز فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های جامعه است که نتیجه ن‌هایی آن، وفاق و انسجام ملی است.

بنابراین هویت ملی عالی‌ترین سطح هویت در هر جامعه است و برای هر فرد و جامعه ای فقط یک هویت ملی وجود دارد، و در مواقع بروز مشکلات و مسائل جمعی و جامعه ای - بویژه جنگ - می‌توان از طریق هویت ملی اقدام کرد. در جریان بروز یک مسأله و مشکل اجتماعی ممکن است که در برخی موارد، هویت ملی و اجتماعی جامعه خدشه دار شود؛ ولی با مشخص کردن و شناسایی دشمن و نیز فارغ از هر گونه احساسات قومی و دینی، می‌توان هویت ملی را حفظ کرد و با همکاری خرده نظام‌ها و نهادهای اجتماعی از این هویت در تحقق اهداف استفاده نمود. منش ملی و هویت ملی هر جامعه بیانگر شخصیت بنیادین ملت است که این شخصیت جمعی بر اساس فرهنگ ملی جوامع شکل می‌گیرد و از آنجا که هر فرهنگی الگوهای رفتاری منحصر به فرد خود را داراست و برای مردمی که در زمینه فرهنگی دیگری هستند، بیگانه می‌نماید، برای شناخت آن باید بر حسب مفاهیم و ارزش‌های خاص خود مورد مطالعه قرار گیرد. حال اگر شخصیت جمعی با هویت ملی جامعه، بخوبی و به دور از احساسات قوم مدارانه شناسایی گردد، ابزار مناسب و قابل اعتمادی خواهد بود که در

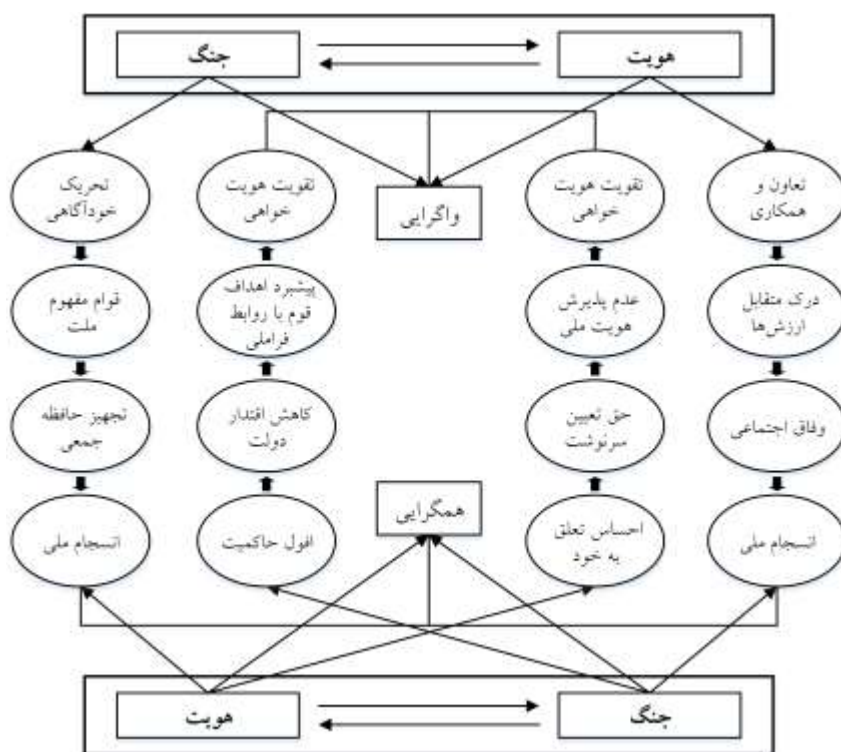
جنگ‌ها می‌توان از آن استفاده، و پیش‌بینی کرد که افراد جامعه در حالت‌ها و فرصت‌های مختلف چگونه و چه واکنشی از خود بروز می‌دهند و از این طریق می‌توان در جریان جنگ با تقویت هویت ملی افراد آن‌ها را برای مبارزه با کشور مهاجم ترغیب کرد و در نهایت اینکه در جریان جنگ اصل عام‌گرایی، فارغ از هر گونه مسائل قومی، قبیله‌ای و زبانی شکل می‌گیرد؛ به طوری که همه مردم جامعه در جهت حفظ الگوها و ارزش‌های جامعه و درهاله‌ای از وفای ملی از کیان و میهن خود دفاع می‌کنند.

رابطه جنگ و هویت را می‌توان اینگونه توضیح داد که جنگ باعث درک متقابل فرهنگ‌ها و ارتقای ارزش‌های مشترک و احساس تعلق انسان‌ها را به اجتماع کلی‌تر می‌شود و به تقویت هویت‌های متکثر یاری می‌رساند. باید گفت جنگ فرآیند متمایز کننده و در عین حال همگون سازی است که از یک سو با پذیرش نظام ارزشی خرده فرهنگ‌ها، جامعه را به سوی کثرت‌گرایی سوق می‌دهد و از سوی دیگر با برجسته کردن فرهنگ ملی، دیگر هویت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این ترتیب، جنگ کارکردی دوگانه دارد. یعنی در عین حال که موجب اتحاد و نزدیکی بیشتر افراد و هویت‌ها می‌شود، واگرایی و فعال‌شدن هویت‌های قومی را هم افزایش می‌دهد. جنگ، تجاوز و تعرض به امنیت ملی و حیثیت سیاسی - اجتماعی و اقتصادی، زمینه‌ای را فراهم می‌کند که در آن مردم بزرگ‌ترین جان فشانی، ایثار و گذشت را برای دفع خطر دشمن از خود نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، شرایط جنگی و ظهور ارزش‌هایی ویژه، با یکدیگر همزمان و همزاد بوده‌اند. جنگ باعث می‌شود تا مردم هویت و حیثیت ملی و مذهبی و هستی خود را در خطر ببینند و بر اساس معیارهای دینی و عقلی برای مقابله با دشمن، رفتار خاصی را از خود نشان دهند که می‌توان آن را با واژه‌هایی مانند مقاومت و نه‌راسیدن از دشمن، ایستادگی و شجاعت، حمله به دشمن، تحمل سختی و از خودگذشتگی، ترجیح مصالح ملی و عمومی به مصالح فردی در عالی‌ترین شکل توصیف کرد (ادیبی سده، ۱۳۸۱: ۹۱). در بررسی رابطه هویت و جنگ باید بتوان پیش از هر چیز رابطه جنگ را با عمده‌ترین مبنای هویت - که همانا آگاهی و خود آگاهی است - تعیین کرد و نشان داد جنگ چگونه با تحریک خودآگاهی مفهومی به نام ملت را شکل می‌دهد. سپس با تداوم مفهوم ملت، معنایی خاص می‌آفریده می‌شود؛ معنایی که بعدها مبنای شکل‌گیری حافظه اجتماعی یا جمعی به شمار می‌رود و سرانجام هویت - به مثابه حافظه یا حس تاریخی

تحریک شده - از میان آن سر بر می‌آورد. برای نشان دادن رابطه جنگ و هویت، نقطه آغاز بررسی در جایی قرار می‌گیرد که خودآگاهی به مثابه هسته مرکزی هویت شکل می‌گیرد؛ یعنی خاطره‌های جمعی را رقم می‌زند و اصولاً صرف بودن این خاطرات، دلیل آشکاری بر خودآگاهی و وقوف به استقلال شخصیتی و "من" فردی است. هویت علاوه بر خود آگاهی نیازمند تداوم یابی است. چنان که مفهوم ملت گواهی روشنی از ضرورت پاسخ‌گویی به این نیاز است و سرانجام تحقق هویت در گرو احساس اتصال با کل است و این حسی است که به مدد تجهیز حافظه جمعی مرتفع می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۲۲)

جنگ را می‌توان متغیر مستقل فرض کرد و از تأثیرات آن (از جمله تأثیرات بر وفاق ملی) سخن گفت و هم می‌توان جنگ را متغیر وابسته فرض نمود که از سایر عوامل اثرگذار تأثیر می‌پذیرد. از این زاویه می‌توان هویت را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر جنگ مورد بررسی قرار داد.

جنگ از چهار طریق ممکن است عامل واگرایی باشد. جنگ در وهله اول، موجب افول حاکمیت می‌شود؛ این فرصت مناسبی برای قومیت‌ها و هویت‌های گوناگون است چون جنگ باعث کاهش اقتدار و توانایی دولت‌ها می‌گردد، از سیطره بر اقوام کاسته می‌شود و دولت‌ها را مجبور به چانه‌زنی سیاسی با هویت‌های گوناگون و می‌دارد. از سوی دیگر، در این وهله هویت‌ها روابطی را با کشورهای برون مرزی ایجاد می‌کنند که این روابط فراملی، امکان پیشبرد اهداف و خواسته‌ها را به جنبش‌های قومی می‌دهد و در مقابل، امکان سرکوب سریع یا خشن آن‌ها از سوی دولت را دشوار می‌سازد. همچنین ناتوانی دولت‌ها در زمان جنگ از انجام تکالیف قانونی مانند برقراری نظم و امنیت، نفوذپذیری مرزها، و افزایش قدرت نیروهای فراملی از عواملی است که سبب می‌شود در طول جنگ، هویت‌خواهی تقویت گردد. جنگ با کمرنگ کردن نقش مرزهای سیاسی، فاصله میان گروه‌های قومی در درون و بیرون از مرزهای سیاسی را کاهش می‌دهد. این امر باعث افزایش نقش این گروه‌ها می‌شود و آگاهی اقلیت‌ها از تمایزات خود با سایر گروه‌ها را افزایش می‌دهد.



نمودار ۱-۱: رابطه جنگ و هویت (ترسیم از نگارندگان)

هویت را می‌توان به دو نوع فردی و جمعی تقسیم کرد: ۱- هویت فردی به این سؤال پاسخ می‌دهد که من کیستم؛ و به کجای جهان تعلق دارم (میچل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۴۴) و ۲- هویت جمعی یا گروهی که معرف احساس تعلق فرد به گروه‌های اجتماعی یا واحدهای جمعی نظیر: خانواده، طبقه اجتماعی، قوم و ملت و احساس تعهد و وفاداری در برابر آنهاست. یعنی مجموعه ویژگی‌هایی که باعث ایجاد "ما" می‌شود و این گروه را تحت عنوان "ما" از گروه‌های دیگر یا "آنها" متمایز می‌سازد. (احمدلو، ۱۳۸۴: ۲۸). این احساس تعلق به خود (هویت فردی) و قوم و ملت (هویت جمعی) باعث می‌شود تا فرد برای خود حق تصمیم‌گیری قائل شود. حال اگر این هویت در تضاد با هویت ملی باشد هویت خواهی او تقویت می‌شود و واگرایی در پی دارد. هنگامی که سرزمینی مورد هجوم اقوام بیگانه قرار

1. Mitchel



می‌گیرد، عنصر دفاع در کانون همبستگی ملی ایجاد می‌شود. از این جهت دفاع رویکردی است که مردم هر سرزمین در یک موقعیت ملی و آرمانی به پاسداری از مجموعه داشته‌های خود به کار می‌گیرد. بدیهی است که در مقوله دفاع باید از تمام توانمندی‌ها و امکانات مادی و معنوی جامعه در بستری زنده و پویا استفاده کرد. (لک، ۱۳۸۴: ۷) هویت ملی از جمله امکانات معنوی و قدرت‌های دفاعی هر ملت است که از آن می‌توان برای استوار کردن و گسترش روحیه دفاعی ملت بهره جست. زمانی که جنگی به وقوع می‌پیوندد، ملت‌ها به دنبال راهکار و عمل واکنشی هستند که خود را در مقابل این تجاوز حفظ کنند؛ از جمله این راهکارها حفظ و تقویت هویت ملی و ایجاد همبستگی ملی است. به عبارت دیگر، هویت یکی از مؤلفه‌های انسجام ملی است که به عنوان بستری برای شکل‌گیری دفاع در مقابل تجاوز عمل می‌کند و سرانجام حس همگرایی ملی را در میان افراد جامعه ایجاد می‌کند.

کارکردهای هویت ساز جنگ را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- ایجاد وحدت؛ از کارکردهای هویت ساز جنگ، همگن کردن جامعه در ابعاد هویت ملی است. به عبارت روشن‌تر، هر ملت بر پایه آگاهی جمعی و تعلق خاطر و گردآمدن پیرامون عناصر عام، مشترک و فراگیری شکل می‌گیرد که نزد اکثریت اعضای آن ملت پذیرفته شده‌اند. بر اساس این، چنانچه در درون یک ملت زبان‌های مختلف، ادیان یا مذاهب و فرهنگ‌های گوناگون رواج داشته باشد، تعلق خاطر هریک از بخش‌های جامعه به این منابع هویتی، خود عاملی در جهت عدم شکل‌گیری ملت محسوب می‌شود. بنابراین، فرض رسیدن به هویت ملی و ملت، اشتراکات نظر عموم جامعه بر عناصر مشترک واحدی مانند، زبان واحد، دین مشترک، خاطرات تاریخی مشترک، و سرزمین مشترک است. (گودرزی، ۱۳۸۷: ۱۷) ۲- کارکرد مشابه سازی و تمایز بخشی؛ یکی از بارزترین کارکردهای جامعه شناختی عناصر هویتی، مشابه سازی و تمایز بخشی توأمان است. این ویژگی در هریک از عناصر همانند دین و مذهب، زبان، سرزمین و همچنین در مجموعه ای به نام هویت ملی ظهور دارد؛ برای مثال زبان فارسی در مقام زبان ملی ایرانیان به طور همزمان، ملت ایران را در یک عنصر به نام زبان ملی مشابه می‌سازد و همزمان نسبت به دیگر ملت‌هایی که دارای زبان‌های متفاوت هستند، متمایز می‌کند (گودرزی، ۱۳۸۷: ۱۷). بر این اساس، وقوع جنگ و آگاهی و احساس تعلق و وفاداری مردم به هویت خود، آنان را در مجموعه ای واحد و دارای تشابهی به عنوان ملت قرار می‌دهد که

در چارچوب آن، به یکدیگر احساس تعلق خاطر می‌کنند و خود را یک ملت تلقی می‌نمایند. در مقابل و همزمان، تفاوت و تمایزی نسبت به گروه‌های غیرخودی احساس کرده‌اند.

## ۲- روش‌شناسی تحقیق:

روش این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش تمامی شهروندان عرب بالای هجده سال شهرهای عرب نشین استان خوزستان از تمامی اقشار و گروه‌های صنفی و شغلی است. در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان اندازه نمونه انتخاب شد که این حجم نمونه با اطمینان ۹۵ درصد با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه کریسی مورگان<sup>۱</sup> تعیین و تأیید شده است. افراد پرسش شونده هم از بین شهرهای اهواز، حمیدیه، عین دو، لشکر آباد، شوش، دزفول، شوشتر انتخاب شده‌اند. به منظور سنجش اعتبار پرسشنامه، از اعتبار<sup>۲</sup> صوری، برای روایی<sup>۳</sup>، از ضریب آلفای کرونباخ و برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

## ۳- محیط‌شناسی تحقیق:

استان خوزستان با وسعت ۶۳۶۳۳ کیلومتر مربع در جنوب غربی کشور واقع است. از شمال به استان لرستان، از شمال شرق به استان چهارمحال و بختیاری، از شرق به استان کهگیلویه و بویر احمد، از جنوب شرق به استان بوشهر، از جنوب به خلیج فارس، از غرب به کشور عراق و از شمال غرب به استان ایلام محدود می‌شود (سیستانی، ۱۳۷۵: ۳۵).

- 
1. Krejcie & Morgan
  2. Validity
  3. Reliability



نقشه ۱-۱: موقعیت جغرافیایی استان خوزستان

بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ جمعیت استان خوزستان بالغ بر ۷۲۰،۵۳۱، ۴ میلیون نفر بوده است که در این میان سهم مساحتی (۳،۹) و سهم جمعیتی (۰،۶) و تراکم جمعیت این استان ۷۱ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، ۳۶). این استان از نظر طبیعی به دو ناحیه مشخص کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم می‌شود که مناطق کوهستانی آن بیشتر محل سکونت لرها، بختیاری‌ها، بهبهانی‌ها و اعراب کمری (جیللات) است و منطقه جلگه‌ای آن نیز محل سکونت اقوام و مردمان دزفولی، شوشتری، هندجانی و اعراب است (سیادت، ۱۳۷۴: ۹-۱۰). اعراب در سراسر دنیا، قلمرو وسیعی از دو قاره آسیا و آفریقا را شامل می‌شوند و در ایران نیز در جنوب و جنوب غرب در بخش‌هایی از استان خوزستان ساکن‌اند. امیر احمدی، عرب‌ها را کم جمعیت‌ترین قوم ایران و جمعیت آن‌ها را حدود دو درصد کل جمعیت ایران برآورد کرده است (امیر احمدی، ۱۳۷۷: ۳۲).

مرکز جمعیت عرب‌های خوزستان بیشتر در شهرستان‌های اهواز، آبادان، خرمشهر، شادگان و دشت آزادگان بوده، به گونه‌ای که جمعیت عرب‌ها در شادگان و دشت آزادگان ۹۸ و ۹۷/۲ درصد برآورده شده است (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۴۲). این که عرب‌های خوزستان از چه زمانی در ایران سکونت پیدا کرده‌اند، اسناد تاریخی مسئله را روشن نمی‌سازد؛ اما این قوم همواره خود را جزء جدایی‌ناپذیر ملت ایران دانسته‌اند. کسروی می‌نویسد: تا آنجا که یقین است و دلیل در دست است تاریخ هجرت تازیان به ایران را باید قرن‌ها پیش از اسلام و آغاز پادشاهی ساسانیان در نظر گرفت. از زمان ساسانیان یقین است که طوایفی از تازیان در گرمسیرهای ایران از خوزستان و بحرین و پارس و کرمان نشین داشته‌اند (کسروی، ۱۳۳۵: ۹۸).

### ۱-۳- شاخص‌های واگرایی و عرب‌های خوزستان

یکپارچگی ملی بیشتر دولت - ملتها همواره متأثر از دو نیروی مخالف جانب مرکز یا همگرا و نیروی گریز از مرکز یا واگراست. از دیدگاه جغرافیای سیاسی سه عامل مهم یکپارچگی در دولت عبارت‌اند از: ۱- پیوستگی فرهنگی آن‌ها ۲- میزان تأثیر پذیری آن دولت از ناحیه گرای سیاسی ۳- وجود یا فقدان علل وجودی و هویت ملی مشخصی که مورد قبول همه شهروندان باشد (در ایسدل، آلسدایر و بلیک. جرالذج. ۱۳۷۰: ۱۹۸). از سوی دیگر، پیوستگی فرهنگی و حتی ناحیه گرای سیاسی ملت‌ها متأثر از هفت شاخص است: زبان، مذهب، نژاد و قومیت، توسعه متوازن یا نامتوازن منطقه‌ای، میزان مشارکت گروه‌های جمعیتی در مدیریت سیاسی منطقه‌ای و ملی، ساختار اجتماعی قومی و میزان پشتیبانی بین‌المللی از نیروی واگرا (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۴۴)

علاوه بر این شاخص‌ها که بنیاد و بستر نیروی واگرایی یا همگرایی را می‌سازند، عوامل دیگری نیز دست‌اندرکار توان سازی برای این نیروها هستند. میزان تأثیر پذیری گروه‌های قومی از سیاست‌های دولت مرکزی، وسعت، شکل سرزمینی دولت، میزان پرت بودن و در حاشیه بودن قلمرو و استقرار گروه‌های قومی و موقعیت داخلی یا مرزی محل استقرار گروه‌های جمعیتی در شمار عواملی هستند که بر انرژی نیروی گریز از مرکز و جانب مرکز تأثیر می‌گذارند. و شاخص‌های شناخته شده برای تقویت توان واگرایی تقریباً همگی دست به دست هم داده‌اند تا عرب‌های خوزستان را به قوم واگرا و مرکز گریز و حتی مرکز ستیز از نظر کارکردهای سیاسی تبدیل کنند. عوامل زبانی، نژادی و قومی، ساختار قبیله‌ای، خاستگاه و حافظه تاریخی، استقرار مرزی، پشتیبانی همه جانبه دولت‌های عربی و بویژه عراق، نقش و نفوذ کم‌رنگ قدرت و مدیریت سیاسی ملی و منطقه‌ای بستری مناسب برای بیشتر شدن واگرایی‌های قومی را مهیا ساخته است. اما با وجود همه این شرایط، عرب‌های خوزستان نه تنها تاکنون نشانه‌های بزرگ و بارزی از واگرایی سیاسی نسبت به هسته اصلی تشکیل دهنده کشور آشکار نساخته‌اند، بلکه به رغم شک و تردیدهای دولت‌ها و گروه‌هایی از ایرانیان فارسی زبان، نسبت به عملکرد آنان پس از ترک زبان‌های آذری در کنار کردهای شیعه مذهب، کارکرد مثبت و جدی در قبال بحرآن‌های ملی از خود بروز داده‌اند. در واقع جنگ عراق علیه ایران که با شعار حمایت از اعراب خوزستان یا به گمان دولت عراق، عربستان آغاز و تداوم

یافت، مناسب‌ترین فرصت را برای آشکارسازی حداکثر تمایلات واگرایانه در اختیار اعراب خوزستان گذاشت (کریمی پور، ۱۳۸۳: ۴).

نظر به مسائل فوق، بررسی هویت قومی به عنوان یک مسئله اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن و پیامدهای متنوعی که دارد به طور عام و در خوزستان به طور خاص، به عنوان یک ضرورت مطرح می‌شود. در این میان آنچه از نقطه نظر آسیب شناسی هویت اهمیت دارد شدت یابی و تعارض آمیز شدن آن‌هاست. منظور از تشدید هویت قومی، تقویت عناصر هویت شناختی و از جمله احساسات مشترک در زمینه‌هایی مثل تاریخ، سرنوشت، منافع و نمادهای فرهنگی است که در این شرایط، هویت قومی افراد عضو گروه قومی از سطح فرهنگی خارج و قومیت تبدیل به امر سیاسی می‌شود. از این رو، بعضی مواقع، هویت قومی مشکلاتی را در سطح خرد به وجود می‌آورد و مناسبات اجتماعی را در برخی از مکان‌ها و زمان‌ها دچار اختلال می‌کند (عبداللهی، ۱۳۸۰: ۳۲۹). هویت قومی اعراب در طول جنگ با شدت و ضعف خاصی روبه رو بوده است. از یک طرف مسائل و مشکلات ناشی از جنگ و دلزدگی آن‌ها از شرایط موجود و از طرف دیگر دفاع از سرزمین و مقابله با تجاوز باعث شد تا هویت قومی و ملی شان با نوسانات زیادی همراه باشد. هرچند در زمان جنگ بستر واگرایی برای اعراب هموار بود ولی آن‌ها با تکیه بر اصل ایرانی بودن و داشتن هویتی واحد و ملی - دینی در برابر هجوم عراق ایستادند و با وجود مشکلات متعدد با انسجام و همبستگی کامل به مقابله با هجوم دشمنان پرداختند.

در جریان هجوم عراق به ایران، این کشور با دولتی متجاوز مواجه بود که تمامیت ارضی آن را هدف قرار داده بود. در این برهه از زمان، اعراب ایرانی به دلیل پیوند ناگسستنی با ایرانیان در مقابل دولت متجاوز ایستادند و با وجود افتراق فرهنگی، ابعاد همبستگی و وفاق در بین آن‌ها تقویت شد. حداقل مبنا و ریشه همگرایی بین اعراب ایرانی خوزستان و ایرانیان را می‌توان در وفاق اجتماعی جستجو کرد. در جریان جنگ دو نکته واضح و مسلم بود: الف) مورد هجوم قرار گرفتن ایران و ادعای تجزیه ارضی و تضعیف هویت ملی ایرانیان از سوی رژیم بعثی؛ ب) دغدغه‌ها و علقه‌های دیرینه اعراب ایرانی به وطنشان. این دو عامل بدین نحو با هم در ارتباط بودند که هر چه قدر خطر عراق برای ایران جدی‌تر بود، عکس‌العمل اعراب ایرانی، مانند سایر ایرانیان، در مقابل این هجوم جدی‌تر و زمینه برای ایجاد وفاق با سایر اقشار جامعه

بیشتر فراهم می‌شد؛ حال آنکه در زمان صلح نیز از زبان اعراب ایرانی سخن از همبستگی و وفاق می‌شنویم.

#### ۴- یافته‌های تحقیق:

در ابتدا اطلاعات جمعیت شناختی افراد پاسخ‌دهنده ارائه می‌شود. متغیرهای جمعیت شناختی عبارت‌اند از: جنسیت، تأهل، شغل، مذهب، سن، سابقه سکونت و تحصیلات. از میان ۳۰۰ پاسخ‌دهنده به سؤالات پرسش‌نامه ۲۲۴ نفر مرد و ۷۶ نفر زن بوده‌اند. ۱۸۹ نفر این افراد متأهل، ۸۸ نفر مجرد و ۲۳ نفر بدون پاسخ بوده است؛ از این میان ۴۵ نفر کارمند، ۱۱۰ نفر شغل آزاد، ۷۰ نفر خانه دار، ۴۶ نفر دانشجو و ۲۹ نفر بیکار بوده‌اند. از نظر مذهب ۲۵۸ نفر شیعه، ۶ نفر سنی و ۳۶ نفر هم‌اظهار نظری در باب مذهبشان نکرده‌اند. از نظر سابقه سکونت نیز ۳۰ نفر بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۲۷ نفر بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۱۱۷ نفر بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۲۶ نفر بین ۵۰ تا ۶۰ سال سابقه سکونت داشته‌اند. سطح تحصیلات پرسش‌شوندگان هم به شرح زیر است: ۲۲ نفر فوق لیسانس و بالاتر، ۹۰ نفر لیسانس، ۱۴۷ نفر دیپلم، ۴۱ نفر سیکل و پایین‌تر.

#### ۴-۱- سنجش مؤلفه‌های بعد اجتماعی هویت قومی

بعد اجتماعی هویت قومی در ارتباط با کیفیت روابط اجتماعی فرد با افراد قوم خود است. همانطور که در هویت ملی در صورت تقویت مناسبات و روابط فرد با جامعه، هویت جمعی فرد در سطح ملی شکل می‌گیرد. (نفیسی، ۱۳۷۹:۱۹۹) برای سنجش مؤلفه‌های بعد اجتماعی هویت قومی ۶ (شش) پرسش از پاسخ‌گویان پرسیده شد.

جدول ۱-۱: پاسخ اقوام عرب خوزستان نسبت به بعد اجتماعی هویت قومی (ترسیم از نگارندگان)

کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	بعد اجتماعی هویت قومی
۲	۱۴/۶	۱۵	۵۷/۳	۱۱/۶	بعد از جنگ ایران و عراق من خود را یک فرد قومی می‌دانم تا عضو ملت ایران
۷	۱۲/۳	۲۰/۶	۴/۵	۱۱/۶	بعد از جنگ ایران و عراق دوست دارم در بین قوم خود زندگی کنم
۰	۸	۱۰/۳	۶۸/۶	۱۳	بعد از جنگ ایران و عراق به قوم خود احساس تعلق و عضویت زیادی می‌کنم
۲	۱۲/۶	۱۷	۵۴	۱۸	بعد از جنگ ایران و عراق برای قوم خود اهمیت زیادی قائلم
۱/۳	۵/۶	۳۴	۶۰	۹	بعد از جنگ ایران و عراق به کشور ایران احساس تعلق و عضویت زیادی می‌کنم
۰/۶	۱۰/۶	۱۴/۶	۶۱/۳	۱۲/۳	بعد از جنگ ایران و عراق برای ملت ایران اهمیت زیادی قائلم

همان طور که گویه‌های جدول ۱-۱ نشان می‌دهد اقوام عرب خوزستانی بعد از جنگ ایران و عراق علاوه بر اینکه به قوم خود علاقه دارند، به ملت و کشور ایران هم وابستگی نشان می‌دهند. میزان تعلق خاطر اعراب خوزستان به قومیت خود که در گویه سوم نشان داده شده (۶۸/۶) درصد است. همچنین گویه پنجم و ششم که میزان تعلق خاطر به کشور و ملت ایران را نشان می‌دهد به ترتیب (۶۰) و (۶۱/۳) است. پس می‌توان گفت بعد از جنگ ایران و عراق بعد اجتماعی هویت قومی اعراب خوزستان در جهت هویت ملی است.

## ۲-۴- سنجش مؤلفه‌های بعد جغرافیایی هویت قومی

محیط جغرافیایی تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت قومی به حساب می‌آید. تعریف هویت در این بعد عبارت است از: نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که ساکن

یک سرزمین معین هستند و از جایگاه مشخصی در نظام هستی برخوردارند. عنصر سرزمین که با اقتصاد و سیاست پیوند نزدیک دارد، واحد بقا را برای شخص معلوم می‌سازد (نفیسی، ۱۳۷۹:۱۹۹) برای سنجش این بخش از هویت ۶ (شش) سؤال پرسیده شد.

جدول ۱-۲: پاسخ اقوام عرب خوزستان نسبت به بعد جغرافیایی هویت قومی (ترسیم از نگارندگان)

کاملاً مخالفم	مخالقم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	بعد جغرافیایی هویت قومی
۰	۵	۲۱/۳	۶۷/۳	۶/۳	جنگ باعث شد تا اگر سرمایه یا امکاناتی داشته باشم فقط برای قوم خودم خرج کنم.
۳/۶	۲	۱۶/۶	۶۸/۶	۹	بعد از جنگ هم از سرزمین و ملت ایران در مقابل تجاوز دیگران دفاع می‌کنم
۴	۵۱	۲۴/۳	۲۰/۳	۲	بعد از جنگ ایران و عراق جامعه ایران مرکب از اقوامی است که دارای حق استقلال و تجزیه‌اند
۱	۱۸/۳	۱۲/۳	۶۷/۳	۱	بعد از جنگ ایران و عراق باید با تمامی امکانات در برابر تجزیه طلبی ایستاد
۱/۶	۱۴/۳	۱۹	۶۲	۳	سرزمین ایران وطن ما ایرانیان است که باید با جان و دل از آن دفاع کرد
۹	۳۰/۶	۳/۶	۲۷	۳	بعد از جنگ ایران و عراق زندگی در این سرزمین برایم فلاکت‌بار و دشوار است.

بعد جغرافیایی هویت قومی اعراب خوزستانی نشان دهنده این موضوع است که اقوام عرب خوزستانی موافق دفاع از سرزمین و ملت ایران بعد از جنگ ایران و عراق هستند. آن‌ها همچنین معتقدند که باید در مقابل تجزیه طلبی ایستاد، البته تعدادی هم موافق خرج کردن سرمایه با امکاناتشان فقط برای قوم خود هستند که شاید بتوان گفت به علت عقب ماندگی مناطق جنگی باشد. در این باره هم می‌توان گفت که بعد از جنگ ایران و عراق، بعد جغرافیایی هویت قومی اعراب خوزستان در جهت هویت ملی است.



## ۳-۴- سنجش مؤلفه‌های بعد تاریخی هویت قومی

بعد تاریخی هویت قومی عبارت است از: آگاهی مشترک افراد هر قوم از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن و احساس هویت تاریخی و نیز تاریخ پنداری پیونددهنده نسل‌های مختلف به یکدیگر که مانع جدا شدن هر نسل از تاریخش می‌شود. یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در حوزه هویت تاریخی، نوع احساس افتخار یا نفرتی است که از عضویت در یک جامعه به انسان دست می‌دهد، لذا در ابتدا میزان احساس غرور در ارتباط با عضویت هر یک از افراد قوم در جامعه قومی پرسیده شد و سپس، میزان آن نسبت به هویت ملی یا ایرانی به گونه دیگری مورد سؤال قرار گرفت. این بعد نیز دارای ۵ (پنج) سؤال است.

جدول ۳-۱: پاسخ اقوام عرب خوزستان نسبت به بعد تاریخی هویت قومی (ترسیم از نگارندگان)

کاملاً مخالفم	مخالقم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	بعد تاریخی هویت قومی
۰	۲	۱۷	۷۲	۹	بعد از جنگ ایران و عراق من به فرهنگ قومی خودم افتخار کنم
۱/۶	۹/۳	۱۹	۵۹/۶	۱۰/۳	جنگ ایران و عراق باعث شده به ایرانی بودن خود بیالم
۰	۵	۱۴/۶	۶۳/۶	۱۶/۳	جنگ ایران و عراق باعث شد تا از عضویت در قوم خود احساس غرور کنم
۰	۳/۳	۲۵/۳	۵۷/۳	۱۷/۶	جنگ ایران و عراق باعث شد تا به شخصیت‌های فرهنگی و ادبی قوم خود علاقه زیادی پیدا کنم
۰	۴/۳	۲۲	۶۲/۳	۱۱/۳	آموزش زبان و آداب و رسوم قومی بعد از جنگ به فرزندان از اهمیت بیشتری برخوردار است

جدول هویت تاریخی اقوام عرب خوزستانی نشان دهنده این موضوع است که این اقوام بعد از جنگ ایران و عراق به فرهنگ قومی خود افتخار می‌کنند، از عضویت در قوم خود احساس غرور می‌کنند، به شخصیت‌های فرهنگی و ادبی قوم خود علاقه دارند، همچنین بعد از جنگ به آموزش و آداب و رسوم قومی خود به فرزندان اهمیت قائل‌اند. نکته قابل توجه این است

که این اقوام در حالی که به فرهنگ قومی خود علاقه مند هستند به ایرانی بودن خود نیز افتخار می‌کنند؛ به عبارت دیگر بعد از جنگ ایران و عراق، بعد تاریخی هویت این اقوام در مقابل بعد تاریخی هویت ملی شان قرار نمی‌گیرد.

#### ۴-۴- سنجش مؤلفه‌های بعد فرهنگی هویت قومی

ارزش‌گذاری فرهنگ‌ها، نگرش نسبت به زبان فارسی، ارتباط میان فرهنگ‌ها، میراث فرهنگی همه ابعاد فرهنگی هر نظام اجتماعی را در بر می‌گیرد که به نحوی خودآگاه یا ناخودآگاه، ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نشانه‌های تاریخی هر فرهنگ و هر ملت یا هر قوم به شمار می‌رود. هرچند تفکیک تاریخ از فرهنگ بسیار دشوار است اما بالاجبار برای سنجش هویت فرهنگی ۴ (چهار) سؤال طراحی شد.

جدول ۴-۱: پاسخ اقوام عرب خوزستان نسبت به بعد فرهنگی هویت قومی (ترسیم از نگارندگان)

کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	بعد فرهنگی هویت قومی
۰	۱۱	۳۳	۴۶	۱۰	بعد از جنگ ایران و عراق دید مثبتی نسبت به دیگر گروه قومی و فرهنگی ایرانی دارم
۰	۳/۳	۱۶/۳	۵۷/۶	۱۰/۶	بعد از جنگ ایران و عراق فهمیدم ارزش‌ها و فرهنگ‌های قومی من خیلی جالب‌تر و جذاب‌تر از سایر فرهنگ‌های ایرانی است
۳/۶	۴۵/۳	۳۱	۱۶/۶	۳/۳	بعد از جنگ ایران و عراق سعی می‌کنم از اعضای دیگر گروه‌های قومی فاصله بگیرم.
۲۴/۶	۵۷/۳	۱۸	۰	۰	جنگ ایران و عراق باعث شد تا اقوام من به زبان فارسی حرف بزنند.

نمودار بالا که بعد فرهنگی هویت قومی اعراب خوزستانی بعد از جنگ ایران و عراق را نشان می‌دهد حاکی از آن است که این اقوام دید مثبتی به دیگر گروه‌های فرهنگی ایرانی دارند، معتقدند ارزش‌ها و فرهنگ‌های قومی شان جالب‌تر از سایر فرهنگ‌های ایرانی است، از دیگر گروه‌های قومی و فرهنگی ایرانی فاصله نمی‌گیرند و نکته مهم این بعد هویتی این موضوع است که آن‌ها بر این باورند جنگ ایران و عراق نتوانسته زبان فارسی را در میان آن‌ها گسترش دهد.

### ۵-۴- سنجش مؤلفه‌های بعد سیاسی هویت قومی

هویت سیاسی را می‌توان مهم‌ترین مؤلفه هویت قومی دانست. هویت قومی در بعد سیاسی بدین معنی است: افرادی که از نظر فیزیکی و قانونی عضو یک نظام یا ساختار سیاسی هستند، از نظر روانی هم خود را اعضای سیستم بدانند یعنی اینکه افراد یک قوم نقش خود را در سیستم سیاسی چه می‌دانند (شهروند، رعیت، حاکم) و چه منبع قدرتی را برای حاکمان خود ارزیابی می‌کنند (الهی یا انسانی). برای سنجش هویت سیاسی هم ۵ (پنج) سؤال پرسیده شد.

جدول ۵-۱: پاسخ اقوام عرب خوزستان نسبت به بعد سیاسی هویت قومی (ترسیم از نگارندگان)

کاملاً موافقم	کاملاً مخالفم	نظری ندارم	موافقم	مخالفم	بعد فرهنگی هویت قومی
۱۲	۰	۱۴	۶۹/۳	۴/۶	فکر می‌کنم جنگ ایران و عراق باعث شده که منطقه من عقب بماند.
۶	۵/۳	۲۹/۶	۲۳/۶	۳۵/۳	بعد از جنگ ایران و عراق فکر می‌کنم مردم هم زیان و هم نژاد من در آن سوی مرز خوشبخت‌تر از من هستند.
۹/۳	۰	۱۷/۳	۵۹/۶	۱۳/۶	بعد از جنگ ایران و عراق از اینکه در سایه جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنم احساس غرور می‌کنم.
۳	۰	۱۸/۶	۶۲/۶	۱۵/۶	بعد از جنگ ایران و عراق دوست دارم در ایران زندگی کنم
۱/۶	۳/۳	۳۱	۱۵/۳	۴۸/۶	بعد از جنگ ایران و عراق باید یک نظام سیاسی واحد با خودمختاری منطقه‌ای در بین اقوام عرب تشکیل می‌شد.
۱۳/۳	۳/۳	۲۱	۴۷	۱۵/۳	بعد از جنگ ایران و عراق قوم من مورد تبعیض قرار گرفت.

سنجش مؤلفه‌های بعد سیاسی هویت قومی اعراب خوزستانی حاکی از این است که آن‌ها معتقدند بعد از جنگ ایران و عراق، جنگ باعث شده منطقه شان عقب بماند، مردم هم نژاد خود در کشورهای دیگر را خوشبخت‌تر از خود نمی‌دانند، از زندگی در سایه جمهوری اسلامی احساس غرور می‌کنند، دوست دارند در ایران زندگی کنند، معتقدند که قومشان مورد

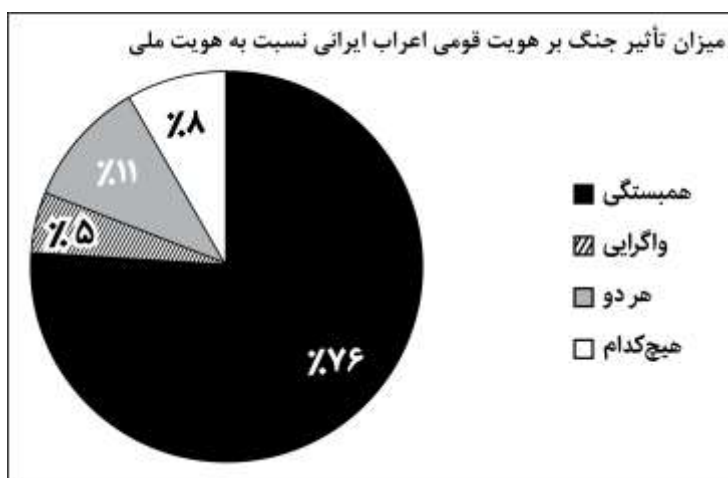
تبعیض قرار گرفته است و مخالف تشکیل یک نظام سیاسی واحد با خود مختاری در میان اعراب هستند.

#### ۶-۴- پرسش نتیجه‌گیری:

در پایان از پرسش شوندگان سؤالی پرسیده شد که به طور مستقیم به موضوع پژوهش ارتباط داشت تا به طور قطعی تأثیر جنگ ایران و عراق بر هویت قومی اعراب ایرانی سنجیده شود:

- جنگ تحمیلی چه تأثیری بر هویت قومی اعراب ایرانی نسبت به هویت ملی داشته است؟
- ۱- باعث همبستگی شده است.
- ۲- باعث واگرایی شده است.
- ۳- هم باعث واگرایی و هم باعث همبستگی شده است.
- ۴- تأثیری نداشته است.

نمودار صفحه بعد نشان دهنده نظرات اقوام عرب زبان خوزستان به سؤال تأثیر جنگ تحمیلی بر هویت قومی اعراب نسبت به هویت ملی و گویای این مطلب هست که جنگ تحمیلی باعث همبستگی هویت قومی اعراب ایرانی نسبت به هویت ملی شده است. البته تعدادی هم معتقدند که باعث واگرایی شده است که نسبت به همبستگی قابل توجه نیست.



۲-۱: نمودار میزان تأثیر جنگ بر هویت قومی اعراب ایرانی نسبت به هویت ملی (ترسیم نگارندگان)

### ۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها:

برای سنجش وضعیت هویت قومی اعراب ایرانی بعد از جنگ ایران و عراق از پنج شاخص اصلی استفاده شده است که جدول زیر میانگین تأثیرات جنگ تحمیلی بر هویت قومی اعراب ایرانی در ابعاد مختلف اجتماعی، جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی را نشان می‌دهد. برای سنجش وضعیت هویت قومی اعراب ابتدا داده‌ها در نرم افزار SPSS به صورت زیر وزن دهی گردیدند:

۱: کاملاً مخالفم	۲: مخالفم	۳: نظری ندارم	۴: موافقم	۵: کاملاً موافقم
------------------	-----------	---------------	-----------	------------------

پس از این مرحله با استفاده از آزمون F فیشر (آنوا<sup>۱</sup>) به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. در این آزمون همچنین فرض برابری واریانس‌ها که از شروط اصلی آزمون‌های پارامتریک است نیز آورده شد.

جدول ۶-۱: وضعیت ابعاد هویت قومی در میان اقوام عرب زبان خوزستانی (منبع: نگارندگان)

میانگین شاخص‌ها	ابعاد هویت قومی
۳/۷۵۰۰	بعد اجتماعی
۳/۳۶۳۳	بعد جغرافیایی
۳/۸۱۰۰	بعد تاریخی
۳/۰۱۶۷	بعد فرهنگی
۳/۴۳۰۰	بعد سیاسی
۳/۴۷۴	میانگین کل

میانگین امتیاز ابعاد هویت قومی (اجتماعی، جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی) از دید اقوام عرب خوزستانی به ترتیب برابر ۳،۷۵، ۳،۳۶، ۳،۸۱، ۳،۰۱، ۳،۴۳ است. میانگین کل شاخص‌ها هم برابر ۳،۷۴ است. بالاترین میانگین امتیاز به بعد تاریخی و اجتماعی داده شده است در حالی که کمترین میانگین امتیاز به بعد فرهنگی و جغرافیایی تعلق می‌گیرد. با توجه

### 1. ANOVA

به پاسخ‌ها می‌توان نتیجه گرفت که اقوام عرب زبان به تاریخ و گذشته خود اهمیت زیادی قائل‌اند. با در نظر گرفتن میانگین کل ابعاد هویت قومی، مشخص است که این ابعاد در بین اقوام عرب زبان ایرانی در شرایط مناسبی است.

### ۵-۱ - تحلیل شاخص‌های هویت قومی با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه

جدول ۷-۱: نتایج آزمون F برای تحلیل معناداری شاخص‌های هویت قومی  
به تفکیک شاخص‌ها (ترسیم از نگارندگان)

شاخص‌های کلی	۴ ارزش	درجه آزادی بین گروهی	درجه آزادی درون گروهی	درجه آزادی کل	معناداری (۳ دامنه)		فاصله اطمینان ۹۵٪
					بالا	پایین	
بعد اجتماعی	۱/۱۸۷	۲/۰۰۰	۲۵۰/۲۵۰	۲۵۲/۲۵۰	۳۰۷	۳/۸۵۴۴	۳/۶۴۵۶
بعد جغرافیایی	۹/۵۵۵	۱۳/۶۲۷	۲۱۱/۷۷۰	۲۲۵/۳۹۷	۰۰۰	۳/۴۶۲۰	۳/۲۶۶۷
بعد تاریخی	۲/۹۸۸	۳/۱۲۰	۱۵۵/۰۵۰	۱۵۸/۱۷۰	۰۵۲	۳/۸۹۲۶	۳/۷۲۷۴
بعد فرهنگی	۱/۸۴۳	۳/۲۴۷	۲۶۱/۶۷۰	۲۶۴/۹۱۷	۱۶۰	۳/۱۲۳۶	۲/۹۰۹۷
بعد سیاسی	۲/۴۸۴	۴/۵۰۰	۲۶۹/۰۳۰	۲۷۳/۵۳۰	۰۸۵	۳/۵۳۸۷	۳/۳۲۱۳

این جدول برای بررسی تأثیر جنگ تحمیلی بر هویت قومی اعراب به مقایسه اختلاف میانگین‌ها می‌پردازد. منشأ تغییرات در میانگین‌ها به دو دسته بین گروهی و درون گروهی تقسیم شده است. ستون اول ارزش F را نشان می‌دهد، ستون دوم درجه آزادی بین گروهی، ستون سوم درجه آزادی درون گروهی و ستون سوم درجه آزادی کل را نشان می‌دهد. به علت بیشتر بودن مقدار معنی داری از ۱ درصد و ۵ درصد، فرضیه با احتمال ۹۹ درصد و ۹۵ درصد رد نمی‌شود.

آزمون F نشان می‌دهد که همه شاخص‌ها در سطح ۹۵ درصد معنادار هستند. اگر فرضیات زیر را برقرار سازیم خواهیم داشت:

$$\begin{cases} H_0 = \mu \geq 2/5 \\ H_1 = \mu < 2/5 \end{cases}$$

بنابر این در مورد شاخص‌هایی که میانگین برابر یا بالاتر از ۲۰۵ باشد فرض صفر پذیرفته

می‌شود و در مورد شاخص‌هایی که کمتر از میانگین باشد فرض تحقیق<sup>۱</sup> پذیرفته می‌شود. در بین شاخص‌ها هیچ شاخصی که میانگین آن از ۲/۵ بالاتر باشد وجود ندارد. بدین ترتیب فرض صفر رد و برای شاخص‌ها فرض تحقیق پذیرفته می‌شود. با توجه به اینکه مقدار معنی داری ما صفر است فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود. بنابر این، می‌توان گفت جنگ عراق علیه ایران باعث همبستگی هویت قومی اعراب ایرانی با هویت ملی شده است.

بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان گفت، کارکرد هویتی و انسجام بخشی جنگ عراق علیه ایران دو سویه بود؛ جنگ هم سبب شد تا اعراب ایرانی نیز مانند سایر ایرانیان در میداین جنگ و در پشت جبهه‌ها نقش آفرینی کنند و هم اینکه پیامدهای مثبتی در جهت صمیمیت، همدلی و همگرایی در بین همه ایرانیان برجای گذاشت. اعراب ایرانی متأثر از هویت ملی و هویت قومی، در جنگ عراق علیه ایران مشارکت جستند و به جهت دغدغه آسیب به کشورشان و ممانعت از تجزیه ایران و تحقیر هویت ملی، در حد توان خود در عرصه‌ها حاضر شدند. از سوی دیگر، این جنگ ریسمان هویت ملی ایرانیان شد و همه هموطنان ما را، فراتر از گرایش‌های قومی، مذهبی به هم مرتبط کرد.

## ۶- نتیجه‌گیری:

به رغم عوامل متعددی که در تقویت توان واگرایی اعراب خوزستان نسبت به هسته مرکزی دولت-ملت در زمان جنگ عراق علیه ایران مؤثر بود، جهت‌گیری کلی آن‌ها بر راستای همگرایی با آرمان‌های کشور استوار شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان داده است که میزان همبستگی ابعاد هویت قومی اعراب ایرانی به هویت ملی بعد از جنگ ایران و عراق فراوان است (با میانگین ۳/۷۴ از ۵). بیشترین درصد تأثیر همبستگی به ترتیب بعد اجتماعی با ۷۱/۳ درصد، بعد تاریخی با ۶۹/۹ درصد، بعد جغرافیایی با ۶۹/۹ درصد، بعد سیاسی با ۶۷/۴ درصد و بعد فرهنگی با ۴۴/۳ درصد متعلق بوده است. میزان فراوانی شاخص‌های تعلق به بعد تاریخی و بعد جغرافیایی نشان دهنده اهمیت سرزمین و ملت ایران برای جامعه عرب

۱- تحقیق بر این فرض است که جنگ باعث همبستگی هویت قومی اعراب خوزستانی نسبت به هویت ملی شده است.

خوزستان است که طی قرن‌های زیست در کنار سایر اقوام ایرانی به آن علاقه و تعلق فراوان دارند. عرب‌های خوزستان طی سال‌های متمادی زندگی در این منطقه، با سایر اقوام ایرانی نیز تعامل بسیار نزدیک یافته‌اند به گونه‌ای که این شاخص نیز بیش از ۳/۷۱ درصد به طور میانگین می‌رسد.

در زمینه هویت قومی نیز عرب‌های خوزستان، به هویت خود آگاهی دارند و گرایش بالایی به عناصر فرهنگی و زبان خود دارند، شاید به این دلیل که جنگ ایران و عراق نتوانسته در این حوزه تأثیر زیادی داشته باشد. با این وصف در مورد عرب‌های خوزستان به نظر می‌رسد هویت قومی در مقابل هویت ملی قرار نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر؛ هویت قومی و هویت ملی در میان عرب‌های خوزستان هر کدام سطوحی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد که عناصر شکل دهنده آن‌ها مکمل هم هستند. یافته‌های پژوهش در این زمینه نشان می‌دهد که بعد از جنگ عراق علیه ایران بین گرایش به هویت ملی و میزان گرایش به هویت قومی همبستگی بالایی وجود دارد. بررسی تمام شاخص‌های مؤلفه‌های هویت ملی و قومی نیز بیانگر همین سطح همبستگی است و تمایل به هویت ملی و قومی عرب‌های خوزستان هم‌راستا است. ایرانیان عرب زیان خوزستان که در مذهب، قومیت و زبان با عرب‌های عراقی مشترک بودند به سرزمین مادری خویش خیانت نکردند و به دفاع از کیان اسلامی و ایرانی خود برخاسته و سال‌ها با دشمن متجاوز بعضی به مبارزه پرداختند و سرانجام سرزمین خود را که با هویت ایرانی پیوند خورده است، حفظ کردند. زیرا در همه آن‌ها حس هویت ملی وجود داشته و دارد و این همان اراده باهم زیستن است که در طول تاریخ ایجاد شده است.



## منابع

۱. ادیبی ساده، مهدی. (۱۳۸۱). جامعه شناسی جنگ و نیروهای نظامی. تهران: انتشارات سمت.
۲. احمدلو، حبیب (۱۳۸۴). نقش سرمایه اجتماعی در روابط بین قومی و هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، ۲(۲)، ۳۴-۷.
۳. افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۵)، خوزستان و تمدن دیرینه آن، جلد اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۴. امیراحمدی، هوشنگ. (۱۳۷۷). قومیت و امنیت. ترجمه حسن شفیع، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲(۲)، ۲۳۳-۲۰۷.
۵. جمشیدی، فرانک. (۱۳۸۶). هویت، روایت، جنگ. فصلنامه مطالعات ملی، ۲۳(۶)، ۳۰-۷.
۶. درایسدل، آلسدایر و بلیک، جرالدها. (۱۳۷۰). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میر حیدر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. سیادت، موسی (۱۳۷۴)، تاریخ و جغرافیای عرب خوزستان، تهران، مؤسسه چاپ و نشر آژان.
۸. عبداللهی، محسن (۱۳۸۱)، تنوع قومی در ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها (بخش دوم)، فصلنامه مطالعات ملی، ۳(۹)، ۳۷۳-۳۲۴.
۹. کارکنان نصر آبادی، محمد. (۱۳۸۴). جنگ و هویت (با رویکردی جامعه‌شناختی به جنگ ایران و عراق). فصلنامه مطالعات ملی، ۶(۲)، ۸۶-۷۱.
۱۰. کریمی پور، یدالله. (۱۳۸۰). طرح جامع مطالعات مرزی، کتاب دوم: چشم‌انداز فرهنگی - اجتماعی، تهران: اداره کل امور مرزی.
۱۱. کریمی پور، یدالله. (۱۳۸۴). عرب‌های خوزستان: واگرایی و همگرایی. پژوهش‌های جغرافیایی، ۵۲(۱)، ۱۰۶-۹۵.
۱۲. کسروی، احمد. (۱۳۳۵). شهریاران گمنام. جلد ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۳. گودرزی، حسین. (۱۳۸۷). کارکردهای هویت بخش مذهب شیعه در دوره صفویه. فصلنامه مطالعات ملی، ۹(۴)، ۷۲-۴۵.
۱۴. لک، منوچهر. (۱۳۸۴). هویت ملی در شعر دفاع مقدس. فصلنامه مطالعات ملی، ۶(۲)، ۱۱۱-۱۳۲.
۱۵. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴). چند جهانی شدن: گوناگونی فرهنگی در جهان کنونی.

تهران: انتشارات روزنه.

۱۶. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن: نتایج کلی استان خوزستان. تهران: مرکز آمار ایران دفتر ریاست امور بین‌الملل و روابط عمومی.
۱۷. محمدنژاد، علی. (۱۳۸۶)، "هویت در عصر اینترنت"، روزنامه ایران، چهارشنبه ۲۶ دی.
۱۸. نبوی، سید عبدالامیر. (۱۳۸۴). میراث‌های جنگ. فصلنامه مطالعات ملی، ۶(۳)، ۸۵-۹۸.
۱۹. نفیسی، رسول. (۱۳۷۹). فرهنگ سیاسی و هویت ملی. فصلنامه مطالعات ملی، ۵(۲)، ۱۷۷-۱۹۲.
20. Barnett, Michael (2001); "Culture, strategy and foreign policy change: Israelis road to Oslo", *European Journal of International Relations*, Vol. 5 (1), PP. 5-36.
21. Michel Patrick (2003), *Evangelicalism and National identity in Ulster in 1921- 1988* Oxford University Press.